

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان
سال نهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۴۰۱

گونه شناسی ردیه‌های امامتی در ۵ قرن نخست با تکیه بر الفهرست شیخ طوسی

جعفر علی نقی

چکیده

ردیه نویسی عالمان شیعه یکی از نمودهای رسالت دفاع از ساحت دین مقدس اسلام به شمار می‌رود که در ادوار مختلف، در قبال شبهات و اندیشه‌های ناراست تدوین کرده‌اند. واکاوی این ردیه‌ها در ۵ قرن نخست به هدف روشن شدن اینکه چه تعداد از این ردیه‌ها امامتی بوده و یا به اندیشه امامت مرتبط است؟ و در نقد کدام مکاتب و جریان‌ها نوشته شده‌اند؟ و اینکه نویسندگان این ردیه‌ها چه کسانی بوده و چه نگرشی داشته‌اند و عالمانی که در این حوزه بیشتر قلم زده‌اند و عناوینی که این گونه نوشته‌ها با آن نام گذاری شده‌اند کدامند؟ در این نوشتار مورد پژوهش قرار گرفته است. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی ردیه‌های عالمان شیعه در ۵ قرن نخست را با تکیه بر کتاب ارزشمند الفهرست شیخ طوسی بررسی کرده و معلوم ساخته است که در این کتاب، به ذکر ۷۶ ردیه پرداخته شده که عمده آنها مربوط به آموزه‌های مختلف اعتقادی است. از آن میان ۲۹ ردیه مربوط به موضوع امامت است و از بین ردیه‌های امامتی، بیشترین ردیه در رد و نقد جریان غلو و مکتب اعتزال صورت گرفته است. بیشتر این ردیه‌ها به خامه عالمانی چون فضل بن شاذان، هشام بن حکم و اسماعیل بن علی بن اسحاق نوبختی به مرحله تدوین بار یافته‌اند.

واژه‌های کلیدی: گونه شناسی، ردیه، امامتی، ۵ قرن نخست، کتاب الفهرست، شیخ

طوسی.

مقدمه

یکی از رسالت‌های دانش کلام دفاع از مرزهای اعتقادی در قبال هجومه مخالفان و معاندان است که با شبهه افکنی و ایجاد خلجان‌های ذهنی سعی در تشکیک و ابطال باورها دارند. ردیه نویسی عالمان امامیه بر کتاب‌ها و اندیشه‌های ناراست، یکی از نمودهای انجام این رسالت مهم است که در ادوار مختلف، سهم سترگی در مصونیت بخشی و تحکیم باورهای شیعی داشته است. مقصود از «ردیه» نوشته‌ای است در نقد یک اندیشه یا نظریه یا در پاسخ به شبهات مطرح شده در خصوص یکی از عقاید حقه، که موجب الزام مخالفان و اعتراف رقیبان به درستی و حقانیت آنها گردد.

با توجه به جایگاه شاخص امامت در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، گونه شناسی ردیه‌های امامتی به هدف شناخت عنوان و موضوع این نگاه‌ها و اطلاع از نوع شبهات مطرح در عصری که ردیه در آن زمان نوشته شده و همچنین شناخت ردیه نویسان و نوع نگرش آنها و اینکه چه کسانی بیشترین ردیه‌ها را نوشته‌اند لازم و ضروری است. پژوهش حاضر در راستای این مهم، ردیه‌های امامتی عالمان شیعه در پنج قرن نخست را با تکیه بر کتاب ارزشمند الفهرست شیخ طوسی مورد واکاوی قرار داده و به این پرسش پاسخ می‌گوید: باتوجه به کتاب الفهرست طوسی، گونه شناسی ردیه‌های امامتی عالمان شیعه در پنج قرن نخست چگونه است؟

کلیات

۱- کتاب الفهرست شیخ طوسی در عداد مهم‌ترین آثار و منابع شیعه امامیه به شمار می‌رود که آثار علمی دانشمندان شیعه دوازده امامی را همراه با اطلاعاتی که شیخ از نام و نسب و کنیه و لقب و محل سکونت آنان داشته آورده است. وی علاوه بر ذکر شخصیت علمی و آثار مولفان، به جرح و تعدیل و بیان مذهب آنان

نیز پرداخته است. از جمله این آثار، ردیه‌هایی است که عالمان شیعه در ۵ قرن نخست در موضوعات مرتبط با امامت به نگارش درآورده‌اند که در این پژوهش به گونه شناسی این نوع از ردیه‌ها پرداخته می‌شود.

۲- مقصود از گونه شناسی ردیه‌های امامتی، شناخت پاسخ‌های مکتوب عالمان امامیه در موضوعات مرتبط با امامت است که در نقد اندیشه‌های رقیبان و هجمه‌های مخالفان با اندیشه امامت صورت گرفته است. اینکه این ردیه‌ها در چه موضوعاتی بوده و با چه عناوینی نام گذاری شده‌اند و مولفان آن‌ها چه کسانی بوده‌اند و به لحاظ علمی و .. چه جایگاهی داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. با کنکاش در این ردیه‌ها از سویی نوع اندیشه‌هایی که رواج داشته و تاثیر و تاثرات آنها از همدیگر معلوم می‌شود، از دیگر سو، نوع سوالات و شبهات و اندیشه‌هایی که در هر عصر جولان داشته نیز به دست می‌آید.

۳- برای تشخیص ردیه بودن یک کتاب یا نوشته می‌توان از عناوینی که ردیه نویسان معمولاً از آنها استفاده می‌کردند بهره برد. عناوینی همچون: رد، نقض، نفی، نقد، نکث، لغو، طعن، فساد، فضائح، مناقشه، تناقض، مناظره، ابطال، احتجاج، اختلاف و الفاظ مشابه که ردیه بودن یک نوشته را نشان می‌دهد. همچنین از استفاده حرف «علی» در نام گذاری کتاب‌ها مانند «کتاب علی القدریه» نیز می‌توان بر ردیه بودن یک نوشته پی برد. افزون بر عناوین ردیه‌ها، از سایر قرائن مانند مطالعه مقدمه یک کتاب یا وقوف بر هدف از تدوین کتاب و .. که گاهی در گزارش فهرست نویسان ذکر شده نیز می‌توان به ردیه بودن یک اثر پی برد.

۴- نوع مواجهه عالمان امامیه در قبال مخالفان و رقیبان نشان می‌دهد که آنان، با باورداشت آزادی اندیشه و تضارب آراء دانشمندان در تقابل با اندیشه‌های ناهمسو، از پیمودن روش‌های نادرستی همچون تکفیر و غیره



خودداری کرده‌اند و تنها با سلاح قلم و منطق اندیشه به مصاف رقیبان و دفع مخالفان رفته‌اند. این نوع از مواجهه حکایتگر آن است که از نظر عالمان امامیه، تنها راه تعالی معرفتی و رشد فکری جامعه علمی، پیمودن روش‌های منطقی و عالمانه است. این نوع مواجهه نشان از فرهنگ و تمدن والای عالمان شیعه دارد که برای اندیشه‌وران و عالمان دینی مذاهب و ادیان مختلف در عصر حاضر می‌تواند الگوی مناسبی باشد.

۵- دانشمندان امامیه در پرتو تاکیدات بسیاری که آیات و روایات بر جایگاه رفیع و وظایف خطیر عالمان دارند به انجام رسالت‌های علمی می‌پرداختند. از این رو متکلمان امامیه نیز چه در بُعد کلام تبیینی و چه در بُعد کلام دفاعی (که این ردیه‌ها نمود نقش آفرینی آنان در حوزه کلام دفاعی است)، به انجام رسالت دینی خود نظر داشته‌اند. بنابراین ردیه نویسی به عنوان یک سنت نیک علمی در بستر تضارب آراء و افکار آنان شکل گرفته و رشد پیدا کرده و ریشه در رسالت‌های دینی و علمی آنان دارد و آن را از سایر فرهنگ‌ها وام نگرفته‌اند.

۶- از آنجا که رمز مانایی و بقاء یک مکتب علاوه بر تبیین و اثبات مبانی خود، نقد مبانی رقیب و پاسخ به مخالفان است، عالمان امامیه در این عرصه مجاهدت‌های فراوانی از خود نشان داده‌اند که نمونه‌هایی از آن نقدها و پاسخ‌ها در قالب ردیه نویسی به مرحله تدوین باز یافته است. با توجه به اهتمام عالمان شیعه به دفع حمله‌ها در موضوع امامت، بی‌تردید تعداد ردیه‌ها محصور در این مواردی که نام یا خود کتاب و رساله به ما رسیده نبوده است بلکه برخی از این گونه نگاشته‌ها همچون بسیاری از کتابها در گذر زمان به علل مختلف از بین رفته و زائل گشته‌اند.

۷- مباحث بازتاب دهنده اصول اعتقادی هر آئین، با رد و نقدها صیقل خورده و تفصیل می‌یابد که همین امر در روند تکاملی علم کلام بسیار موثر بوده



است. برآیند ردیه‌های شیعی نشانگر کارآیی و پاسخگو بودن اصول اعتقادی اسلام ناب (مکتب اهل بیت) به نیازهای فکری و معرفتی نسل‌های مختلف بشر است. از این رو، بسیاری از مسائل نوپیدیدی که در ادوار مختلف علم کلام به وجود آمده در پرتو پاسخ‌دهی عالمان به پرسش‌ها و شبهات روز بوده است. از این نظر اهمیت و جایگاه ردیه نویسی روشن می‌گردد.

نگارنده ادعا ندارد که در این تحقیق به همه اهدافی که پیشتر از نظر گذشت رسیده و بدان پرداخته است، ولی بی‌گمان در پرتو این تحقیق بخش مهمی از امور مذکور به دست آمده که شایسته ارائه به فرهیختگان عرصه دانش و اندیشه است.

مفهوم شناسی الرد و واژه‌های همسان

پژوهش در هر مسأله‌ای بر پایه‌ای از مفاهیم استوار است که واکاوی آن‌ها در تحقیق ضروری و بایسته است. از این رو، نخست به تعریف مفاهیم کلیدی بحث پرداخته می‌شود. هرچند ردیه‌های اعتقادی ذکر شده در کتاب الفهرست شیخ طوسی با عناوینی همچون رد، نقض، نفی، نقد، نکث، لغو، طعن، فساد، فضائح، مناقشه، تناقض، مناظره، ابطال، احتجاج، اختلاف، نام گذاری شده‌اند ولی چون ردیه‌های امامتی تنها با سه عنوان «الرد» و «نقض» و «اختلاف» آمده تنها به مفهوم شناسی آنها پرداخته می‌شود.

الرد

«الرد» مصدر بوده و در لغت به معنای بازگرداندن، قبول نکردن و مردود شمردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۱۷۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۴۸). برخی اصحاب فرهنگ و لغت از آن با واژه منع نیز تعبیر آورده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۲۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳: ص ۴۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴: ص ۱۱۲). مولف التحقیق در معنای آن می‌گوید: مقصود از رد مطلق منع است و



تفسیر آن به منع و رجوع و دفع تفسیری تقریبی است. مفهوم رد فی الجمله به معنای دفع به جهت عقب است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴: ص ۱۱۲)

از آنجا که غالب نگاشته‌های عالمان در پاسخ گویی شبهات و رد اندیشه‌های ناحق با واژه «الرد» نام گذاری شده، این گونه مکتوبات به «ردیه» مشهور گشته اند. از این نظر با توجه به روشن بودن معنای ردیه، تعریفی از سوی متکلمان برای آن صورت نگرفته و معانی ارائه شده در کتب لغت برای شناخت معنای ردیه کافی به نظر می‌رسد. مراجعه به موضوع و محتوای ردیه‌ها و اهدافی که نگارندگان آنها داشته‌اند نشان می‌دهد مقصود از ردیه، نوشته‌ای است در نقد یک اندیشه یا نظریه یا در پاسخ به شبهات مطرح شده در خصوص یکی از عقاید حقه، که موجب الزام مخالفان و اعتراف رقیبان به حقانیت آن‌ها گردد. در ارتباط معنای ردیه با مفهوم لغوی آن می‌توان گفت پاسخی که در این ردیه‌ها آمده حکایت از آن دارد که سخن مخالفان و شبهه افکنان مورد قبول واقع نشده و مردود است و به سوی خودشان بازگردانده می‌شود. از این طریق جمله‌هایی که از ناحیه رقیبان و مخالفان به مرزهای اعتقادی می‌شود دفع می‌گردد. با این گفته، مفهوم مردود و بازگرداندن و دفع که در زبان اصحاب فرهنگ و لغت در معانی «الرد» ذکر شده معلوم می‌شود.

النقض

نقض به معنای افساد بوده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۵۰) و دلالت بر شکستن و قطع کردن چیزی می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۴۷۰) راغب نقض را به معنای پراکنده کردن عقد از اساس می‌داند که ضد محکم کردن و استوار ساختن است (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۸۲۱) نقض به معنای ابطال نیز آمده است. وقتی گفته می‌شود در کلام کسی تناقض وجود دارد یعنی بعضی از آن مبطل بعضی دیگر است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۶۲۲) طریحی از نقض با عبارت فسخ و فک التركیب یاد کرده است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ص ۲۳۲)

اختلاف

اختلاف از ریشه خلف ضد قدام (جلو)، به معنای این است که هر یک از طرفین طریقی را غیر از طریق دیگری در حال یا قبول برگیرند (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۲۹۳-۲۹۴) طریقی اختلاف را نقیض اتفاق (طریحی ۱۳۷۵ش، ج ۵: ص ۵۴) و زبیدی آن را به معنای تردد می‌داند. وی می‌گوید: اینکه گفته می‌شود «رجل خالفه» یعنی شقاق و فاصله او بسیار شد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: صص ۱۸۹ و ۱۹۱).

از آنچه در مفهوم شناسی ذکر شد معلوم می‌گردد هدف مولفان این گونه نوشته‌ها همان نقد و رد فرقه‌ها و اندیشه‌های باطلی بوده که با اندیشه ناب امامت مورد قبول امامیه اثنی عشریه زاویه داشته اند. در این نوشتار به جهت شهرت استفاده از عنوان «الرد» از این گونه نوشته‌ها با عنوان «ردیه» یاد می‌شود.

ردیه‌های امامتی

در این قسمت به گونه شناسی ردیه‌های مرتبط با موضوع امامت پرداخته می‌شود. افزون بر شرح حالی کوتاه در مورد مولفان این ردیه‌ها، افراد، فرقه‌ها و اندیشه‌هایی که در رد و نقد آنها ردیه نوشته شده اطلاعاتی به دست داده می‌شود.

۱. کتاب «الرد علی المعتزله فی إمامة المفضول» نوشته محمد بن نعمان احوال که به او شیطان الطاق می‌گفتند و شیعه به او لقب مؤمن الطاق داده است. وی از اصحاب و شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۳۸۸) و فردی ثقه و کثیر العلم گزارش شده (حلی، ۱۳۴۲ش، ۳۲۶؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰: ص ۴۸۰) و فوتش در سال ۱۴۸ق (سبحانی، بی‌تا، «ب»، ج ۱: ص ۸۷) یا ۱۶۰ق. بوده است (همان، ج ۵: ص ۲۰۴). چون گروهی از معتزلیان معتقد به امامت مفضول بر فاضل هستند (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۱۸۰) چنان که عده‌ای از معتزله بویژه معتزلیان بغداد با این که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را از ابوبکر فاضل تر می‌دانستند باز امامت ابوبکر را صحیح و جایز می‌شمردند، (حلبی،



۱۳۷۶ش، ص ۵۷). مؤمن الطاق با نگاشتن این کتاب باور آنان را در امامت امام مفضول نقد کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، صص ۳۸۸-۳۸۹)

۲. کتاب «اختلاف الناس فی الإمامة» نوشته ابومحمد هشام بن حکم (متوفای ۱۹۹ه.ق) که مولی بنی شیبان بوده و کوفی است ولی بعدا به بغداد رفته امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام را ملاقات نموده و از آن دو بزرگوار روایات بسیاری را نقل کرده است. هشام بن حکم متکلمی حاضر جواب و شاخص در بحث امامت بوده (طوسی، ۱۴۲۰ق: صص ۴۹۴-۴۹۵) از این رو، از وی مجالس مناظرات بسیاری نقل شده و دارای کتاب و نوشته‌هایی در موضوعات مختلف از جمله امامت بوده است (برقی، ۱۳۴۲ش: ص ۳۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ص ۱۳۶). به نقل کشی هشام بن حکم در سال ۱۷۹ق در کوفه به درود حیات گفته است (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲؛ ص ۵۲۶). با توجه به نام گذاری کتاب هایش که برخی در رد یک فرقه و یا برخی دیگر در نقد اندیشه‌های یک شخص است ولی در نام گذاری این کتاب از واژه اختلاف استفاده کرده است که گویا در صدد برشمردن خلاف گویی‌های اهل سنت در خصوص امامت و رد آنها است و چون در ادبیات عالمان امامیه به اهل سنت گاهی ناس اطلاق می‌شود از این تعبیر استفاده کرده و نام کتابش را «اختلاف الناس فی الإمامة» نهاده است. احتمال هم دارد در پی بررسی تطبیقی اندیشه‌های مکاتب مختلف در امر امامت بوده و به صورت تطبیقی به واکاوی مبحث امامت پرداخته باشد.

۳. کتاب «الرد من قال بإمامة المفضول» نوشته هشام بن حکم (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹۴). وی آن را در رد افکار و باور معتزلیانی همچون واصل بن عطاء (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۱۸۰؛ حلبی، ۱۳۷۶ش، ص ۵۷) و زید بن علی - شاگرد واصل بن عطاء معتزلی - و زیدیه که معتقد به تجویز امامت

مفضول بر فاضل بودند نگاشته است. بیشتر معتزلیان زیدی مذهب بودند و از این جهت غالباً قائل به امامت مفضول گشته‌اند (مشکور، ۱۳۷۲ش، ص ۳۹ و ۶۹).

۴. کتاب «الرد علی المعتزله فی أمر طلحه و الزبیر» نوشته هشام بن حکم (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹۴). واصل بن عطاء معتزلی در قضیه جنگ طلحه و زبیر و عایشه با حضرت علی علیه السلام در آغاز به تخطئه هیچ یک از دو حزب تصریح نکرد، ولی اظهار داشت که یکی از دو حزب بر ضلالت بوده و مرتکب کییره شده است و هر یک از آن دو به نسبت به ضد خودشان فاسق شمرده می‌شوند. اما عمرو بن عبید هر کس را که در وقعه جمل شرکت داشته فاسق شمرده (حلبی، ۱۳۷۶ش، ص ۷۳). هشام بن حکم در مقابل این سخنان اشتباه موضع گرفته و با نگاشتن کتاب «الرد علی المعتزله فی أمر طلحه و الزبیر» این افکار و عقاید باطل را درباره امام بر حق آن عصر به چالش کشیده است.

۵. کتاب «الرد علی المعتزله» نوشته هشام بن حکم (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹۴). از آنجا که هشام بن حکم به تناسب محتوای ردیه‌هایی که نگاشته آنها را نامگذاری می‌کند همانطور که در سه مورد پیشین چنین بود، از کلی بودن عنوان این کتاب به نظر می‌رسد وی کلیات اصول و مبانی نادرست اندیشه معتزله را در موضوعات مختلفی که با مکتب اهل بیت علیهم السلام زاویه دارند - که بخش مهمی از آن در مورد امامت بوده - در کتاب مزبور به نقد کشیده است.

۶. کتاب «الرد علی المعتزله آخر» نوشته هشام بن حکم (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹۵). از اینکه هشام بن حکم دو عنوان کتاب با عنوان «الرد علی المعتزله» نگاشته و این کتاب را با واژه «آخر» متمایز کرده، این احتمال قوت می‌گیرد که در مقطعی از زمان، معتزلیان موضوعات ناصحیحی را عنوان کرده بودند که هشام با نگاشتن کتاب اولش به رد آن مباحث پرداخته است و سال‌ها بعد مباحث و موضوعات نابحق دیگری از آنان طرح شده که بار دیگر واکنش هشام را

برانگیخته تا با نگاشتن کتاب دومش مباحث جدید مکتب اعتزال را که قبلاً مطرح نبود نقض نماید. البته احتمال اینکه کتاب اول او ناظر به نقد معتزله بغداد و کتاب دومش ناظر به معتزله بصره باشد نیز دور از انتظار نیست؛ زیرا این دو مکتب عمده از معتزله در بسیاری از موضوعات الهیات، طبیعیات، اجتماعیات و انسانیات عقایدی ویژه داشتند (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۱۳). احتمال دیگری نیز ممکن است و آن اینکه کتاب اول هشام، ناظر به معتزله سیاسی - کناره گیری صحابه از بیعت و حمایت از حضرت علی علیه السلام در امر خلافت یعنی اعتزال لغوی - و کتاب دومش ناظر به معتزله کلامی و طرفداران واصل بن عطاء باشد (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۱۳؛ مشکور، ۱۳۷۲ش، ص ۳۳). این چند گانگی در عرصه باور و اندیشه و رد و نقدهای وافری که رقیبان معتزله بر علیه آنان نوشته‌اند نشان می‌دهد معتزلیان به علت تکیه بر عقل خودبنیاد و عدم بهره گیری از هدایت و نظارت فکری معصومان علیهم السلام به لحاظ معرفتی دچار انحرافات بسیاری شده بودند. همچنین از نگاشتن دو کتاب از سوی هشام بن حکم و کتاب‌های بسیار دیگری که در رد معتزله نگاشته شده نشان از نفوذ و تأثیرگذاری تفکرات و باورهای آنان در جهان اسلام دارد که تقابل متکلمان امامی را در پی داشته و آثار وافر ارزشمندی را در رد و نقد افکار و عقاید نادرست آنان تالیف کرده اند.

۷. کتاب «الرد علی من أبی وجوب الإمامة بالنص» نوشته محمد بن خلیل (متوفای قرن ۲ه.ق) معروف به سکاکی که متکلم و جزء اصحاب هشام بن حکم به شمار می‌رود. وی جز در اصل امامت، در برخی نظرات با هشام مخالف بوده (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۹) و در موضوع تشبیه نیز کتاب نوشته است (حلی، ۱۳۴۲ش: ۳۱۰). بر خلاف امامیه که قائل به وجود نص درباره امامت ائمه طاهرین هستند و آیات ولایت، اکمال دین و احادیث ثقلین و غدیر و منزلت و ...

را نصوص امامت می‌دانند، جمهور اشاعره، معتزله و خوارج برآنند که پیغمبر ﷺ بر احدی برای امامت و خلافت نص نکرد. بعضی دیگر از اهل سنت گفته‌اند که برای ابی بکر نص خفی کرد (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۲۵۹) محمد بن خلیل (سکاک) متکلم امامی مذهب اثر مزبور را در رد این انگاره اهل سنت و خوارج نگاشته و وجود نص برای امامت امامان را ثابت کرده است.

۸. کتاب «الرد علی الغالیة» نوشته حسن بن علی فضال تیملی بن ربیع بن بکر مولی (به معنی هم پیمان یا آزاد شده) تیم الله ابن ثعلبه (متوفای ۲۲۴ ه. ق.)، که از امام رضا علیه السلام روایت نقل کرده و از اصحاب آن حضرت است. وی شخصی جلیل القدر، عظیم المنزله، دارای زهد و ورع بوده و در نقل روایات و احادیث ثقه است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۳-۱۲۴؛ هلالی، ۱۴۱۶ق: ص ۷۷). او احادیث سلیم را در روایاتی که از ابن شاذان در مورد رجعت آورده نقل کرده است (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ص ۱۲۷). به گفته علامه، حسن بن علی فضال فطحی مذهب بوده و سپس از آن برگشته است. نجاشی رجوع وی را از مذهب فطحی نقل کرده و او را مورد ستایش قرار داده است. کشی نیز همین‌ها را در مورد او ذکر کرده و ابن شهر آشوب به توثیق او پرداخته است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰: ص ۳۴۵). «غلات» که وی در رد آنها ردیه نوشته کسانی هستند که درباره حضرت علی علیه السلام و سایر امامان معصوم دچار افراط شده و به آنان صفاتی فوق طبیعی همچون اولوهیبت را نسبت می‌دادند. البته آنان جزء شیعه نبوده و خود را به این مذهب بسته‌اند (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۲۷ و ص ۱۷۶؛ حلبی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۱) این فرقه از مفوضه همواره مورد لعن امامان معصوم علیهم السلام بوده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ص ۲۱۵، ج ۲ و ج ۲: ص ۲۰۲، ح ۲). از آنجا که مسأله امامت از پایه‌های دین بوده و از اهمیت بسیاری برخوردار است و از سوی دیگر، غلات با نگاه افراطی به امامان معصوم سبب انحراف مردم در دین



می‌شده‌اند از این رو، خود ائمه و به تأسی از آنان، اصحاب شان نیز همواره در برابر این فرقه منحرف موضع‌گیری کرده و با تألیفات فراوان سعی در به چالش کشاندن دیدگاه آنان و بصیرت‌افزایی مردم داشته‌اند که این ردیه حسن بن علی فضال نیز از جمله آنها است.

۹. کتاب «الرد علی الغلاة» نوشته فضل ابن شاذان نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ه.ق.) که متکلم و فقیهی جلیل‌القدر بوده است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱-۳۶۲؛ هلالی، ۱۴۱۶ق: ۷۷). کنیه وی أبو محمد است که ناقل روایت از امام جواد علیه السلام بوده و به گفته برخی، از امام رضا علیه السلام نیز روایت نقل کرده است. او یکی از اصحاب و متکلمان و فقیهان بزرگ امامیه است و احوالات او بیش از چیزی است که شمرده می‌شود (حلی، ۱۳۴۲ش: ۲۷۲). وی این کتاب را در غلات نگاشته که پیش از این معرفی گشتند.

۱۰. کتاب «الرد علی أحمد بن یحیی» نوشته فضل ابن شاذان نیشابوری (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱-۳۶۲). احتمالاً «احمد بن یحیی» همان ابو الحسین احمد بن یحیی بن اسحاق، مشهور به ابن راوندی و ابن روندی (م ۲۹۸ق) یکی از متکلمین و فیلسوفان و صاحب تألیفات فراوان می‌باشد (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۱۰۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ص ۱۵۸). وی از اهالی مروالروذ خراسان (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۵) یا کاشان بوده، و سپس ساکن بغداد شده است (عثیمین، بی تا، ج ۱: ص ۵۷). دنبال کردن تاریخ فعالیت‌های عقلی و علمی ابن راوندی مشکل است؛ زیرا به مناسبت نداشتن عقیده ثابت و تغییر چند باره اعتقاد و تزلزل در ایمان و اظهار الحاد، درست نمی‌توان گفت جزو کدام فرقه بوده است (تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال ج ۲، ص ۷۸؛ حلی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۸) اما به گزارش برخی محققان وی ابتدا از معتزله بوده که سپس از آن رجوع کرده و کتاب «فضیحه المعتزله» را نگاشته است (سبحانی، بی تا، «الف»، ج ۳: ص ۶۲۸) به احتمال زیاد

انحرافات در موضوع امامت نیز داشته که فضل بن شاذان به علت معاصر بودن با ابن راوندی ردیه مذکور را در نقد دیدگاه‌های انحرافی او نگاشته است.

۱۱. کتاب «الرد علی الأصم» نوشته فضل ابن شاذان نیشابوری (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱-۳۶۲). احتمال زیاد می‌رود این کتاب در نقد ابوبکر عبدالرحمن بن کیسان اصم (م ۲۰۰ یا ۲۰۱ ق) یکی از فصیحان و فقیهان و مفسران معتزله و از مخالفان شیعه بوده است. اصم بسیاری از اقدامات امیرالمومنین علیه السلام را تخطئه کرده و در مقابل، بعضی از رفتارهای معاویه را بر صواب می‌دانست. این امر سبب اعتراض برخی از معتزلیان با وی شده تا جایی که قاضی عبدالجبار معتزلی در این باره می‌گوید: اصم بی‌انصافی‌های بزرگی را در حق امیرالمومنین علیه السلام روا داشته است. او همچنین با هشام بن حکم - متکلم نام آور امامیه - مناظره داشته که برخی با تعبیر «بلی بمناظره هشام بن الحکم» از آن یاد کرده‌اند (ابن مرتضی، بی تا، صص ۵۶-۵۷). این نگاه خصمانه و به دور از انصاف اصم، سبب شد تا برخی از علمای اهل سنت وی را ناصبی بخوانند (نباطی بیاضی، بی تا، ج ۱: ص ۴) به همین خاطر برخی از متکلمان امامیه در رد دیدگاه اصم آثاری تألیف کردند که کتاب «الرد علی الاصم» فضل بن شاذان نیشابوری یکی از آنهاست (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۱). پس از آن نیز علمای شیعی در رد دیدگاه اصم کتاب‌هایی را تألیف کردند که در این زمینه می‌توان به کتاب «نقض کتاب الأصم فی الإمامة» شیخ مفید اشاره نمود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۰۰).

۱۲. کتاب «الرد علی (یمان بن رباب) الخارجی» نوشته فضل ابن شاذان نیشابوری (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱-۳۶۲). در برخی نسخ «یمان بن رباب» آمده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۷): فضل در رد افکار یمان بن رباب (یا رباب) یکی از برجسته‌ترین متکلمان خوارج (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ش، ج ۷: ص ۱۰؛ مسعودی، بی تا، ص ۴۳۳) کتاب «الرد علی یمان بن رباب» را نگاشت (طوسی،



۱۴۲۰ق، ص ۳۶۱). یمان بن رباب برادر علی بن رثاب کوفی - از اصحاب امام صادق علیه السلام است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۴۶). وی متکلمی سرشناس بوده که در نقد تفکرات و جریان‌های کلامی فعالیت داشته است. او کتاب‌هایی از جمله؛ «المخلوق»، «التوحید»، «احکام المؤمنین»، «الرد علی المعتزله فی القدر»، «اثبات إمامه أبی بکر»، «الرد علی المرجئه» و... نگاشته است (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۷). ظاهراً یمان بن رباب ساکن خراسان بوده، زیرا ذهبی وی را اهل خراسان معرفی می‌نماید (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۴: ص ۴۶۰) برادرش علی بن رباب قبل از سال ۱۸۳ قمری زنده بوده است. پس یمان بن رباب نیز در همان حدود وفات کرده است (سبحانی، بی تا، «ج»، ج ۲: ص ۳۹۰) با اینکه یمان بن رباب در زمان فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق) زنده نبوده اما نگاشتن کتابی بر رد «یمان بن رباب» نشان از تأثیرگذاری افکار و عقاید ابن رباب در بین خوارج خراسان، سال‌ها پس از وفاتش دارد که فضل در صدد رد افکار و اندیشه‌های او برآمده است.

۱۳. کتاب «الرد علی الباطنیة و القرامطه». فضل بن شاذان نیشابوری این ردیه را در ابطال تفکرات و باورهای باطنیه و قرامطه از فرق اسماعیلیه نوشته است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۲). «باطنیه» نام دیگر اسماعیلیه و طرفداران عبدالله بن میمون قدّاح اهوازی - غلام امام صادق علیه السلام و مؤسس باطنیه - است. اسماعیلیه را با القاب باطنیه، قرامطه، خرمیه، سبعیه، باکیه، محمّره و... خوانده اند. آنان را از این جهت که برای قرآن و سنت، ظاهر (به منزله پوست) و باطن (به منزله مغز) قائل بودند به این نام خوانده‌اند (رازی، ۱۳۶۴ش، ص ۱۸۱). «قرامطه» نیز شعبه‌ای از اسماعیلیه هستند که توسط حمدان الاشعث (به قول مشهور معروف به قرمط) در سده ۲۶۴ق در کوفه پدید آمد. البته عده‌ای ظهور این فرقه را در زمان حکومت معتضد یعنی سده ۲۸۱ یا ۲۷۸ هجری می‌دانند. قرمطیان - بر خلاف

اسماعیلیان که قائل به امامت اسماعیل بن جعفر بودند (حلبی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳۹) - قائل بودند که محمد بن اسماعیل امام هفتم و صاحب الزمان است و آنان معتقد به قیام به سیف و قتل مخالفان خود - از دیگر مذاهب اسلامی - بودند (پاکستانی، ۱۴۱۵ق، صص ۲۳۳ - ۲۳۵).

۱۴. کتاب «الرد علی المرجئه» نوشته فضل بن شاذان (طوسی، ۱۴۲۰ق، صص ۳۶۱ - ۳۶۲) از دیدگاه مرجئه، ایمان دارای اصالتی است که مقدم بر عمل و کردار است. آنان معتقد بودند کسی که دارای اعتقاد و ایمان باشد چنانچه گناهی مرتکب شود چندان زیانی به او نمی‌رسد (خاتمی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۷). مرجئه درباره امامت به انتخاب و اجماع باور داشته و عصمت امام از خطا را نیز امری لازم نمی‌شمردند (مشکور، ۱۳۷۲ش، ص ۳۷). از این رو فضل بن شاذان نیشابوری که از نزدیک با عقاید مرجئه آشنایی داشته است با نگاشتن کتاب «الرد علی المرجئه» به رد و نقد عقاید آنان پرداخته است.

۱۵. کتاب «الرد علی الغالیه» نوشته الحسین بن سعید بن حماد بن سعید بن مهران الأهوازی (حدود قرن ۳ ه.ق.) که ثقة بوده و از امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام روایت نقل کرده است. وی اصالتاً کوفی است ولی با برادرش حسن به اهواز منتقل و از آنجا بر حسن بن ابان در قم وارد شده و در همان جا نیز مرحوم شده است (طوسی، ۱۴۲۰ق: صص ۱۴۹ - ۱۵۰) شیخ صدوق از وی در بابی از خصال نقل حدیث کرده است (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ص ۳۰۶). دانشمندان و شخصیت‌های بسیاری از او روایت شنیده‌اند. روایات وی، در بسیاری از نام‌آورترین کتب شیعه چون: کافی، تهذیب، استبصار، من لایحضره الفقیه، وسائل الشیعه و... نقل و به آن استناد شده است. تألیفات وی و برادرش بیش از ۳۰ جلد است از جمله: المناقب، کتاب الزیارات، کتاب التقیه، الرد علی الغلاه، المثالب، المؤمن و... (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ج ۲۵: صص ۲۲ - ۲۳) محمد بن حسن صفار

(متوفای ۲۶۰ ه.ق.) نیز از وی روایت نقل کرده است (سبحانی، بی تا، «ج»، ج ۳: ص ۶۳۷). کتاب «الرد علی الغالیة» توسط وی در رد اهل غلو نگاشته شده است. «غلات» کسانی اند که نسبت به حضرت علی و سایر ائمه علیهم السلام صفات فوق بشری و الوهیت نسبت می دهند. البته آنان جزو شیعه نبوده و خود را به این مذهب بسته اند (شهرستانی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱: ص ۲۷ و ص ۱۷۶؛ حلبی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۱) حسین بن سعید اهوازی نیز همانند دیگر اصحاب ائمه علیهم السلام با نگاشتن این ردیه سعی در رد و نقد دیدگاهها و تفکرات انحرافی غالیان داشته است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۵۰). از اینکه اصحاب بیشتر ائمه علیهم السلام در زمان خودشان ردیه ای بر غلات نگاشته اند این امر حکایت از وجود این تفکر در بیشتر اعصار و تأثیرگذاری و خطرناکی تفکرات آنان دارد.

۱۶. کتاب «الرد علی الغالیة و ابی الخطاب و أصحابه» که ابراهیم بن ابی حفص ابو اسحاق الکاتب (قرن ۳ ه.ق) آن را به رشته تحریر درآورده است. وی شیخ حدیث بوده و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام ثقه و وجیه است (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ۱۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ص ۱۹؛ حلبی، ۱۴۱۱ ق: ۵؛ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ص ۲۹۴) و از کسانی است که به روایت او عمل می شود (حلی، ۱۴۱۱ ق: ص ۵). همانطور که پیش از این گفته شد «غلات» کسانی هستند که درباره معصومان علیهم السلام افراط کرده و به آنان صفاتی فوق طبیعی همچون اولوهیت نسبت می داده اند (شهرستانی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱: ص ۲۷ و ص ۱۷۶؛ حلبی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۱). این فرقه از مفوضه همواره مورد لعن امامان معصوم علیهم السلام بوده اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ص ۲۱۵، ح ۲ و ج ۲: ص ۲۰۲، ح ۲) آنها به هجده فرقه منشعب می شوند که خطایه (اصحاب ابی الخطاب محمد بن ابی زینب اسدی اجدع) نیز یکی از آنها است (شاطبی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۷۶) ابو اسحاق کاتب در این

اثر، تفکر غالبان را به طور عام و اندیشه انحرافی ابی الخطاب و اصحاب او را به طور خاص بررسی‌ده و رد کرده است.

۱۷. کتاب «الرد علی القرامطه» نوشته ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (۳۲۹ ه.ق) فقیه و محدث بزرگ شیعه که ثقه و عارف به اخبار بوده (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ص ۳۹۴) و یکی از مؤلفان کتب ارزشمند اربعه به شمار می‌رود. وی سرآمد روزگار خود بوده و شیعه و سنی در اخذ فتوی به وی مراجعه می‌کردند. از این رو باعث انتساب لقب ثقه الاسلام به وی گردید. کلینی نخستین محدثی است که در میان امامیه به گردآوری و نظم و ترتیب احادیث شیعه پرداخت. و با اثر گرانسنگ کافی نقش شیعه را زیباتر و استوارتر ساخت. از تألیفات وی می‌توان کافی، کتاب رجال، رسائل ائمه علیهم‌السلام، تعبیر الرؤیا (تفسیر الرؤیا) و کتاب مذکور یعنی «الرد علی القرامطه» را نام برد (بروجردی، ۱۳۸۶ ش، ج ۲۵: ص ۲۵-۲۷). کتاب مذکور در رد قرامطه نوشته شده که شعبه‌ای از اسماعیلیه هستند و توسط حمدان الاشعث (به قول مشهور معروف به قرمط) در سده ۲۶۴ ق در کوفه پدید آمده و به خاطر رهبرشان به قرامطه نام گذاری شدند. البته عده‌ای ظهور این فرقه را در زمان حکومت معتضد یعنی سده ۲۸۱ یا ۲۷۸ هجری می‌دانند. قرمطیان قائل بودند که محمد بن اسماعیل امام هفتم و صاحب الزمان است و معتقد به قیام به سیف و قتل مخالفان خود- از دیگر مذاهب اسلامی- بودند (پاکستانی، ۱۴۱۵ ق، صص ۲۳۳-۲۳۵). به باور آنان زیارت قبور و بوسیدن سنگ کعبه و اعتقاد به ظواهر حرام بود. در احکام شریعت نیز قائل به تأویل بودند و شعارشان مانند اسماعیلیه پرچم سفید بوده است (خاتمی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۸۲) کلینی با این اثر به رد باورهای آنان پرداخته و عقایدشان را که در تقابل با اندیشه امامت راستین قرار داشت به نقد کشیده است.



۱۸. کتاب «الرد علی أصحاب التناسخ و الغلاة» نوشته ابا محمد حسن بن موسی نوبختی (متوفای اوایل قرن چهارم ه.ق) که خواهر زاده ابی سهل بن نوبخت است. به گفته شیخ طوسی وی متکلم و فیلسوف مورد مراجعه فلسفه پژوهانی همچون ابی عثمان دمشقی و إسحاق و ثابت و سایرین بوده و مذهبش امامی است. عقاید درستی دارد و نسخه‌های بسیاری به خط خود نگاشته است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۱۲۱). و به گفته سایر عالمان برجسته شیعه، او ادیب، فیلسوف، متکلم و منجم ماهر و جامع مؤلف کتاب ارزنده «فرق الشیعه» بوده و در اوائل سال سیصد هجری قمری درگذشته است (مفید، ۱۳۷۷ش: ص ۵۸۰). کتاب مزبور او در رد انگاره تناسخ و غلات نگاشته شده است. تناسخ یعنی انتقال نفس ناطقه یا روح پس از مرگ انسان به بدنی دیگر (لاهیجی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۲) که ائمه علیهم‌السلام قائلان به تناسخ را کافر دانسته و غلات - که قائل به اولوهیت ائمه هستند (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۲۷ و ص ۱۷۶) - را نیز بدتر از مرجئه، قدریه، یهود، مجوس، نصارا و حروری دانسته و مورد لعن قرار داده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ص ۲۰۲، ح ۲) پاره‌ای از حکیمان هندی و یونانی و در جهان اسلام نیز فرقه‌ای از قدریه، معتزله، صابئی، مانویه و بت پرستان قائل به تناسخ هستند (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۷۵ و ص ۲۰۶؛ اسفراینی، ۱۹۷۷م، ص ۲۵۳) از این رو، نوبختی در این اثر عقاید انحرافی این فرقه ضاله و غالیان را به چالش کشیده است.

۱۹. کتاب «الإنسان و الرد علی ابن الراوندی» نوشته اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت است (۳۱۱-۲۳۷ه.ق) وی شیخ و استاد متکلمان بوده و وجه‌ترین اصحاب ما در بغداد به شمار می‌رود (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۳۱-۳۲). او متکلمی زبردست و کثیرالقلم بوده که در تبیین عقاید حقه و رد عقاید باطل کتابهای بسیاری تألیف کرده است. نویسندگان کتب فهرست به ذکر عناوین

کتاب‌های او پرداخته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۱-۳۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ص ۹).
نجاشی و علامه او را ممدوح به مدح جلیل می‌دانند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰: ص ۳۲۰). ابن راوندی که اسماعیل ابن علی بن سهل نوبختی در رد اندیشه او ردیه نگاشته، ابو الحسین احمد بن یحیی بن اسحاق مشهور به ابن راوندی و ابن روندی (م ۲۹۸ق) است که یکی از متکلمان (و فیلسوفان) و صاحب تألیفات فراوان می‌باشد (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۱۰۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ص ۱۵۸). وی از اهالی مروالروذ خراسان (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۵) یا کاشان بوده، و سپس ساکن بغداد شده است (عثیمین، بی تا، ج ۱: ص ۵۷). دنبال کردن تاریخ فعالیت‌های عقلی و علمی ابن راوندی بسیار مشکل است؛ زیرا به مناسبت نداشتن عقیده ثابت و تغییر چند باره اعتقاد و تزلزل در ایمان و اظهار الحاد و زندقه، درست نمی‌توان گفت جزو کدام فرقه بوده است (تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال ج ۲، ص ۷۸؛ حلی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۸) وی ابتدا از معتزله بوده اما سپس از آن رجوع کرده و کتاب «فضیحة المعتزله» را نگاشت است (سبحانی، بی تا، «الف»، ج ۳: ص ۶۲۸). علاوه بر ردیه اسماعیل بن نوبخت، حسن بن نوبختی اثری با عنوان «النکت علی ابن الراوندی» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۶۳) و أبو علی محمد بن عبد الوهاب البصری الجبائی (م ۳۰۳ یا ۳۰۴ ق) از بزرگان معتزله با عنوان «النقض علی ابن الراوندی» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۱۰۳۷) و فضل بن شاذان نیز با عنوان «الرد علی احمد بن یحیی» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۱) بر ابن راوندی رد نوشته‌اند. احتمالاً ابن ندیم همین کتاب «الإنسان و الرد علی ابن الراوندی» ابی سهل بن نوبخت را با عنوان «نقض التاج علی ابن الراوندی» بیان کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲) البته ممکن است که این اثر، یکی دیگر از نگاشته‌ها و ردیه‌های ابن نوبخت بغدادی درباره ابن راوندی باشد.

۲۰. کتاب «الرد علی الواقفه» نوشته اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۱-۳۲). فرقه «واقفیه» که به «مطوره» نیز شهرت دارد کسانی هستند که به طور قطع منکر درگذشت امام موسی کاظم علیه السلام شده و بر امامت آن حضرت متوقف شدند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۸) از این رو اسماعیل نوبختی کتاب مذکور را در رد باور واقفیه نگاشته است. علاوه بر وی، حسن بن موسی الخشاب (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۲)، حسن بن نوبختی (همان، ص ۶۳)، حسین بن علی بن سفیان البزوفری (همان، ص ۶۸)، جعفر بن محمد بن اسحاق البجلی (همان، ص ۱۲۱)، فضیل بن عیاض بصری (همان، ص ۳۱۰)، محمد بن احمد بن عبدالله بن مهران جمال (همان، ص ۳۹۳)، هارون بن عبدالعزیز الارجانی (همان، ص ۴۳۹) و... ردیه‌هایی بر فرقه «واقفه» نگاشته‌اند. نگاشتن ردیه‌های متعددی که عالمان مختلف بر علیه فرقه واقفه نوشته‌اند نشان از خطرناکی باورهای آنان دارد. و اهمیت بالای اندیشه امامت در شیعه را نشان می‌دهد که عالمان آن هرگاه تفکرات معارضی با امامت حقه می‌دیدند به رد و نقد آن می‌پرداختند.

۲۱. کتاب «الرد علی الغلاة» نوشته اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۱-۳۲). غلات کسانی هستند که قائل به الوهیت ائمه بوده (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۲۷ و ص ۱۷۶) و آنان را شریک در علم و قدرت خداوند معرفی کرده (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۴۷۳) و به حلول خداوند در آنان و یا اتحاد خداوند با آنان قائل شده‌اند. طبق گزارش‌های تاریخی، بیشترین غلو در جهان اسلام در مورد امام علی علیه السلام صورت گرفته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۱). آنان وجوب فرایض را ساقط و محرمات دین را مباح می‌دانستند و به شش شاخه اصلی؛ بیانیه، و مغیره، جناحیه، منصوریه، خطابیه، الحولیه و... منشعب می‌شوند (سبحانی، بی تا، «الف»، ج ۷:

ص ۱۰) به خاطر وجود این فرقه‌های گوناگون غلات و خرافات و عقاید باطل آنان بود که سبب نگاشتن ردیه‌هایی زیادی از سوی اصحاب ائمه علیه غلات شد که ردیه اسماعیل به نوبخت نیز یکی از آنها است.

۲۲. کتاب «الرد علی الطاطری فی الإمامة» نوشته اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۱-۳۲). علی بن الحسن بن محمد الطائی الجرمی الطاطری الکوفی، از فقها و بزرگان فرقه واقفیه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، صص ۲۵۴-۲۵۵) و از متکلمان سده دوم هجری است (سبحانی، بی تا، «ب»، ج ۱: ص ۳۱۵) و بعد از ۱۸۳ قمری وفات یافته است (نیلی نجفی، ۱۴۲۶ق، ص ۳). او معاصر و از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام بوده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۱) و با اینکه در حدیث و فقه ثقه شمرده می‌شود (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۵۵) اما در دفاع از مذهب واقفی و رد عقاید شیعیان تعصب و عناد شدیدی نشان می‌داده است و حدود سی کتاب در تأیید عقاید خود تألیف کرده که کتاب «امامت» یکی از آن است (محدث ارموی، ۱۳۵۸ش، ص ۴۸۷). این نوبخت ردیه فوق را بر آن نوشته است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۱). البته به خاطر اهمیت مسأله امامت، این اندیشه همواره مورد بحث و مناقشه بین فرقه‌های مختلف و اصحاب ائمه بوده است. از این رو، کتب فراوانی در این مسأله نگاشته شده و ابن نوبخت نیز کتاب‌هایی همچون «الاستیفاء فی الامامة»، «التنبیه فی الامامة»، «الجمال فی الامامة» و «الرد علی محمد بن الازهر فی الامامة» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۱) و همچنین کتاب مذکور را در موضوع امامت نگاشته است.

۲۳. کتاب «الرد علی أصحاب الصفات» نوشته اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۱-۳۲). «صفاتی» فرقه‌ای هستند که قائل به صفات ازلی برای خداوند بوده و داشتن روی و دست را بر خداوند جایز می‌دانند و به ظاهر معنی کلام خدا و حدیث رسول صلی الله علیه و آله قائل بوده و به



عمق معنای آن (تأویل) پی نمی‌بردند. در مساله امامت نیز دچار انحراف بوده و قائل به اختیاری بودن امامت شده و منصوص بودن آن را نفی می‌کنند. صفاتی و معتزله همچون دو ضد مقابل یکدیگرند (خاتمی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۴۷) صفاتی بر سه طایفه اند؛ اشاعره، مشبّهه و کرامیه (مشکور، ۱۳۷۲ش، ص ۳۰۱). از آنجا که مهم ترین انحراف آنان در مسئله صفات الهی و امامت بوده اسماعیل نوبختی با نگاشتن ردیه مذکور، دست کم باورهای آنان را در خصوص این دو مساله واکاوی کرده و به رد و نقد آن پرداخته است.

۲۴. کتاب «الشافی فی الامامه» نوشته ابوالقاسم المرتضی علی بن الحسین بن موسی علم الهدی (متوفای ۴۳۶ه.ق) مشهور به سیدمرتضی است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۲۹۰). کتاب فوق در موضوع امامت در ۴ جلد به رشته تحریر درآمده که جمعاً دارای ۱۳۱۰ صفحه است. شیخ طوسی این کتاب را بهترین اثر در باب امامت دانسته است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۸۸). خاستگاه این کتاب، تدوین کتاب «المغنی فی التوحید و العدل» توسط قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ق) است که در ۲۰ جزء آن را املاء کرده و جزء بیستم را به مبحث امامت اختصاص داده است. وی در آن کتاب، آراء و اقوال امامیه را با تمام توان زیر سوال برده و با هجمه همه جانبه، به عقاید و باورهای شیعی تاخته است. قاضی عبدالجبار معتزلی فقیه شافعی و مفسر قرآن و صاحب تألیفات زیادی بوده است (سیوطی، ۱۳۹۶ق، ص ۴۸) وی افضلیت برای امام را واجب ندانسته و از نظر علمی نیز همین که امام در حدی باشد که بتواند به اجرای حدود الهی پرداخته و فرمان دهی جنگ نظامی را بر عهده داشته باشد کافی می‌داند. از این رو، اعلیت و عصمت را برای امام لازم نمی‌شمارد و باورمند است که وظیفه نصب امام بر عهده گروهی از افراد امت است که همان اهل حل و عقد هستند. سید مرتضی از متکلمان نام آور شیعه با تدوین کتاب «الشافی فی الامامه» به بررسی و رد سخنان

عبدالجبار در کتاب المغنی پرداخته و صفحه به صفحه کتاب وی را با تعابیر مؤدبانه و عالمانه نقض نموده و دلایلش را باطل ساخته است.

۲۵. کتاب «نقض الإمامة علی الجبائی و لم یتمه» نوشته اباعبدالله ابن مملک الاصفهانی (متوفای اوایل قرن ۴) که از متکلمان امامیه و معاصر ابوعلی جبایی (۲۳۵-۳۰۳ ه.ق.) است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۵۴۷-۵۴۸). ابوعلی جبائی همانند زیدیه قائل است که «دعوت» یکی از راه‌های اثبات امامت است. مراد آنها دعوت شخصی است که صلاحیت امامت داشته باشد و مردم را به سوی خود برای مخالفت با ظلمه دعوت کند (لاهیجی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۸۰) ابوعلی جبائی و پسرش قائل بودند که امامت وجود عقلی ندارد و در شرع بر مردم واجب است که امام را انتخاب کنند (شعرانی، بی تا، ص ۵۰۷) ابن ممالک با این اثر دیدگاه‌های ابوعلی جبایی را رد و نقض کرده است.

۲۶. کتاب «النقض علی ابن عبّاد فی الإمامه» نوشته اباعبدالله محمد بن محمد بن النعمان معروف به ابن معلم (متوفای ۴۱۳ ه.ق.) و مشهور به شیخ مفید است که متکلم برجسته و فقیه شاخص امامیه در قرن‌های چهارم و پنجم قمری به شمار می‌رود. به تعبیر شیخ طوسی، مفید فردی تیزفهم و حاضر جواب و پیشتاز در دانش‌های کلام و فقه بوده (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۳۸) و در مجالس علمی نقدهایی که بر علیه شیعه وارد می‌شد را پاسخ می‌گفته است. ابن ندیم از شیخ مفید با عبارت رئیس متکلمان شیعه یاد کرده و در علم کلام بر دیگران مقدم دانسته و او را بی‌همتا توصیف کرده است (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، صص ۲۲۶ و ۲۴۷) شیخ صدوق، ابن جنید اسکافی و ابن قولویه از جمله برجسته‌ترین استادان شیخ مفید بوده و شیخ طوسی، سید مرتضی، سید رضی و نجاشی هم از مشهورترین شاگردان او محسوب می‌شوند. ابن عباد معتزلی بوده و ۱۸ سال وزارت فخر الدوله دیلمی را در دربار آل بویه به عهده داشته است (حلبی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۶)



از آنجا که بیشتر معتزلیان معتقد به امامت مفضول بر فاضل هستند (شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ص ۱۸۰) شیخ مفید با نگاشتن این اثر دیدگاه او را در موضوع امامت نقد کرده است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴۵).

۲۷. کتاب «النقض علی بن علی بن عیسی فی الإمامة» نوشته شیخ مفید (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴۵). نام اصلی این کتاب «النقض علی بن علی بن عیسی الرمانی» بوده که شیخ طوسی «فی الإمامة» را به آن افزوده است (مارتین مکدرموت، ۱۳۷۲ش، ص ۶۰) نجاشی نام این اثر شیخ مفید را «النقض علی بن علی بن عیسی الرمانی» می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۹۹). شیخ مفید با علی بن عیسی الرمانی معتزلی (۲۹۶ - ۳۸۴ ق) دیداری داشته و مباحثی بین آنان رد و بدل شده که یکی از آن مباحث در باب فدک و امامت بوده است. رمانی از برحق بودن ابوبکر سخن به میان آورده (مارتین مکدرموت، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، «الف»، ص ۳۳۱-۳۳۷) و شیخ مفید کتاب فوق را در رد و نقض دیدگاه ناراست او در موضوع امامت به رشته تحریر درآورده است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۴۵).

۲۸. کتاب «نقض کتاب العثمانیة للجاحظ» نوشته ابوالجیش المظفر بن محمد الخراسانی (متوفای ۳۶۷ه.ق.) است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۷۳) ابوعثمان، عمرو بن بحر الجاحظ (م ۲۵۵ق) رساله عثمانیه را در رد شیعه و ایراد و اشکال بر اصول اعتقادات آنان نوشته است. مهمترین هدف جاحظ از نوشتن این رساله توجیه اقدامات خلفای سه گانه، اثبات افضلیت آنان و بی احترامی به مقام و منزلت امیرالمومنین علیه السلام بوده است. مظفر بن محمد خراسانی در این اثر دیدگاه‌های جاحظ در کتاب العثمانیه را مورد نقد و نقض قرار داده است.

۲۹. کتاب «المستثبت نقض کتاب المسترشد لأبی القاسم البلخی» نوشته ابو جعفر محمد بن قبه الرازی (قبل از ۳۱۹ه.ق) است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۸۹). نجاشی این کتاب را با عنوان «المستثبت فی الامامه» آورده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش،

گونه شناسی رده‌های امامتی در ۵ قرن نخست با تکیه بر الفهرست شیخ طوسی

ص ۳۷۶). از آنجا که کتاب «المسترشد فی الامامه» ابوالقاسم بلخی به دست ما نرسیده تا بتوان دیدگاه‌های وی درباره امامت را جویا شد اما ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ابوالقاسم بلخی را یکی از شیوخ و بزرگان معتزله ذکر کرده (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ص ۲۰۵) و می‌گوید: بلخی امیرالمؤمنین علیه السلام را افضل از ابوبکر می‌دانست (همان، ص ۷). البته افضل دانستن امیرالمؤمنین علیه السلام، دلیل بر حق بودن حضرت و قائل به غصب خلافت از سوی خلفا نیست؛ یعنی این امر، امامت منصوص امیرالمؤمنین علیه السلام را ثابت نمی‌کند. اگر چه شیخ مفید (ره) بیشتر افکار بلخی در زمینه «جواهر»، «اراده» و... را همگام با امامیه بیان می‌کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۹۷ و ۵۳) اما آنچه مسلم است اینکه برخی از دیدگاه‌های بلخی درباره امامت با شیعه امامیه و اصحاب ائمه زاویه داشته که این امر ابن قبه رازی را بر نگاشتن این اثر در نقد باورها و دیدگاه‌های او برانگیخته است.

نتیجه‌گیری

۱- برآیند تحقیق نشان می‌دهد بیشترین ردیه‌هایی که در کتاب الفهرست شیخ طوسی به آن اشاره شده در موضوعات کلامی اعتقادی بوده و به نسبت ابواب مختلف دانش کلام، باب امامت ردیه‌های بیشتری را به خود اختصاص داده است. از مجموع ۷۶ ردیه‌ای که در کتاب «الفهرست» شیخ طوسی ذکر شده ۲۹ مورد ردیه امامتی است که ۲۲ مورد از آن با عنوان «الرد»، ۵ مورد با عنوان «نقض»، ۱ مورد با عنوان «اختلاف»، و ۱ مورد (کتاب الشافی فی الامامة) بدون عنوانی که دلالتی بر ردیه بودن داشته باشد آمده است (و از گزارش شیخ طوسی در الفهرست و همچنین از محتوای کتاب که موجود است ردیه بودن آن معلوم گشت).

۲- در نام گذاری ردیه‌های امامتی از واژه‌هایی همچون رد و نقض و اختلاف استفاده شده و از عناوینی همچون نفی، نقد، نکث، لغو، طعن، فساد، فضائح، مناقشه، تناقض، مناظره، ابطال و احتجاج که مورد استفاده ردیه نویسان در نامگذاری کتاب‌های ردیه بوده استفاده نشده است. از آنچه گذشت به دست می‌آید واژه «الرد» بیشترین کاربرد را در عنوان دهی ردیه‌های امامتی داشته است.

۳- از مجموع ۲۹ ردیه امامتی، ۱۸ مورد در نقد فرقه‌ها و مکاتب مختلفی است که در مساله امامت با امامیان زاویه داشته اند. و ۱۱ مورد نیز در نقد کتب و افرادی که در مساله امامت دچار اشتباه و انحراف بوده‌اند نگاشته شده است. در بین فرقه‌ها و جریان‌ها، غلات کسانی‌اند که بیشترین ردیه (یعنی ۶ مورد) در نقد آنها نوشته شده و سپس معتزله که ۴ مورد از ردیه‌ها به آنان اختصاص یافته است. از اینجا معلوم می‌شود جولان فکری غالیان و معتزلیان زیاد بوده که واکنش علمی عالمان امامیه را برانگیخته است.

گونه شناسی ردیه‌های امامتی در ۵ قرن نخست با تکیه بر الفهرست شیخ طوسی

۴- از بین عالمانی که نام آنها در کتاب الفهرست آمده بیشترین ردیه امامتی اختصاص به فضل بن شاذان دارد که ۶ مورد است، بعد از او هشام بن حکم و اسماعیل بن علی نوبختی هر کدام ۵ مورد در ردیف بعدی قرار دارند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین بن هبئه الله، ۱۳۷۸ش، «شرح نهج البلاغه»، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، بی چا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۶ش، «علل الشرائع/ ترجمه مسترحمی»، هدايت الله مسترحمی، تهران، کتاب فروشی مصطفوی، ششم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۲ش، «ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام»، مترجم حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، «عیون أخبار الرضا علیه السلام» تهران، جهان، اول.
۵. ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، «تاریخ ابن خلدون»، خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، دوم.
۶. ابن شهر آشوب، بی تا، ابن شهر آشوب، بی جا، بی تا، بی چا.
۷. ابن مرتضی، احمد بن یحیی، بی تا، طبقات المعتزله، سوسنه دیفلد فلرز، بیروت، مکتبه الحیاء.
۸. ابن مطهر، بی تا، «البدء و التاریخ»، مکتبه الثقافه الدینیة، بی چا.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، «لسان العرب»، جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر، سوم.
۱۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۴۱۷ق، «فهرست»، ابراهیم رمضان، بیروت، دار المعرفة، بی چا.
۱۱. اردکانی، محمد علی، بی تا، «اسرار التوحید»، تهران، اسلامیة، اول.
۱۲. ارموی، میر جلال الدین، ۱۳۵۸ش، «تعلیقات نقض»، تهران، انجمن آثار ملی، بی چا.
۱۳. استادی، رضا، ۱۳۸۵ش، شیعه و پاسخ چند پرسش، تهران، مشعر، دوم.
۱۴. اسفراینی، ابو مظفر، ۱۴۰۳ق، «التبصیر فی الدین وتمییز الفرقة الناجیه عن الفرق الهالکین»، کمال یوسف الحوت، بیروت، عالم الکتب، بی چا.
۱۵. اسفراینی، ابو منصور، ۱۹۷۷م، «الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه» بیروت، دار الآفاق الجدیده، بی چا.
۱۶. اشعری، ابوالحسن، ۱۴۰۰ق، «مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین»، مصحح همولوت ریتر، آلمان، فرانس شتاينر، سوم.
۱۷. اشعری، ابوالحسن، بی تا، «مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین»، مصحح همولوت ریتر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم.



۱۸. اشعری قمی، سعد بن عبد الله، ۱۳۶۰ ش، «المقالات و الفرق»، بی جا، علمی و فرهنگی، دوم.
۱۹. امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۶ ق، الغدير، قم، مرکز الغدير، قم، اول.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۷ ق، «الجامع الصحیح المختصر»، تعلیقه مصطفی دیب البغا، بیروت، ابن کثیر، بی جا.
۲۱. پاکستانی، احسان الهی ظهیر، ۱۴۱۵ ق، «الشیعة والتشیع»، لاهور، اداره ترجمان السنه، بی جا.
۲۲. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ ش، «فرهنگ شیعه»، قم، زمزم هدایت، دوم.
۲۳. تفتازانی، سعد الدین، ۱۴۰۹ ق، «شرح المقاصد»، محقق عبد الرحمن عمیره، قم، الشریف الرضی، اول.
۲۴. تفرشی، بی تا، «نقد الرجال»، بی جا، بی نا، بی جا.
۲۵. تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال ج ۲، بی جا، بی نا، بی جا.
۲۶. جحفی، علی فضل عمر، بی تا، «توحید المفضل»، قم، داوری، دوم.
۲۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ ش، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، ناظر دکتر یزدی مطلق، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اول.
۲۸. حرانی، ابن تیمیه، ۱۴۲۶ ق، «بیان تلبیس الجهمیه فی تأسیس بدعهم الکلامیه» مجموعه‌ای از محققین، بی جا، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف، بی جا.
۲۹. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۹ ش، «خیر الأثر در رد جبر و قدر»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چهارم.
۳۰. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۱ ش، «هزار و یک کلمه»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، دوم.
۳۱. حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی، ۱۳۶۴ ش، «تبصره العوام فی معرفه مقالات الأنام»، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، اساطیر، دوم.
۳۲. حلی، علی اصغر، ۱۳۷۶ ش، «تاریخ علم کلام در ایران و جهان»، تهران، اساطیر، دوم.
۳۳. حلی، ۱۴۰۹ ق، ترجمه الالفین، ترجمه وجدانی، قم، هجرت، دوم.
۳۴. حلی، حسن بن علی بن داود، ۱۳۴۲ ش، «الرجال (لابن داود)»، تهران، دانشگاه تهران، اول.
۳۵. حمیری، نشوان بن سعید، ۱۹۴۸ م، «الحوار العین»، محقق کمال مصطفی، قاهره، خانجی،
۳۶. خاتمی، سید احمد، ۱۳۷۰ ش، «فرهنگ علم کلام»، تهران، صبا، اول.



۳۷. ذهبی، محمد بن احمد، ۳۸۲ق، «میزان الاعتدال فی نقد الرجال»، علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفة، بی چا.
۳۸. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ق، «سیر اعلام النبلاء»، شعيب الارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، دوم.
۳۹. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ق، «الخرائج و الجرائح»، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۴۰. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۴ش، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، تهران، مشعر، دوم.
۴۱. سبحانی، جعفر، [بی تا]، «ب»، «رسائل و مقالات»، بی جا، [بی نا]، بی چا.
۴۲. سبحانی، جعفر، [بی تا]، «ج»، «موسوعه طبقات الفقهاء»، [بی جا]، [بی نا]، بی چا.
۴۳. سبحانی، جعفر، بی تا، «الف»، «بحوث فی الملل و النحل»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی و مؤسسه الإمام الصادق ع، بی چا.
۴۴. سبزواری، ملا هادی، ۱۳۸۳ش، أسرار الحكم، مقدمه استاد صدوقی و تصحیح کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی، اول.
۴۵. سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر، ۱۳۹۶ق، «طبقات المفسرین»، محقق علی محمد عمر، قاهره، بی چا.
۴۶. شاطبی، ابو اسحاق، ۱۴۲۰ق، «الاعتصام»، تعلیقه محمود طعمه، بیروت، دار المعرفة، دوم.
۴۷. شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، «الشافی فی الإمامه»، تهران، محقق سید عبد الزهراء حسینی، مؤسسه الصادق ، دوم.
۴۸. شعرانی، ابوالحسن، بی تا، «شرح فارسی تجرید الاعتقاد»، تهران، اسلامیه، بی چا.
۴۹. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، ۱۳۶۴ش، «الملل و النحل»، محمد بدران، قم، الشریف الرضی، سوم.
۵۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، «ترجمه تفسیر المیزان»، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، پنجم.
۵۱. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، «الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)»، محقق محمد باقر خراسان، مرتضی، مشهد، اول.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۳ش، «رجال الطوسی»، قیومی اصفهانی، جواد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه، سوم.
۵۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ق، «فهرست کتب الشیعیه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول (للطوسی) (ط - الحديثه)»، عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، اول.

۵۴. عثیمین، محمد بن صالح، بی تا، «المستفاد من ذیل تاریخ بغداد»، بی جا، بی نا، بی جا.
۵۵. فخر الدین رازی - شهاب الدین سهروردی - اثیر الدین ابهری - ذوالفضایل اخسیکتی و...، ۱۳۸۳ ش، «چهارده رساله»، تهران، دانشگاه تهران، دوم.
۵۶. فضل بن شاذان نیشابوری، ۱۳۶۳ ش، «الایضاح»، تحقیق سید جلال الدین ارموی، تهران، دانشگاه تهران، بی جا.
۵۷. کتاب «الانتصار»، بی تا، بی جا، بی جا.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، «الکافی (ط - الإسلامیة)»، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
۵۹. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، «رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال»، محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، قم، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول.
۶۰. لاهیجی، حزین، ۱۳۷۵ ش، فتح السبل، ناصر باقری بیدهندی، تهران، میراث مکتوب، اول.
۶۱. لاهیجی، فیاض، ۱۳۸۳ ش، «گوهر مراد»، مقدمه زین العابدین قربانی، تهران، سایه، اول.
۶۲. مادلونگ، ۱۳۸۱ ش، «فرقه‌های اسلامی»، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر، دوم.
۶۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)»، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم.
۶۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول»، هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، دوم.
۶۵. مسعودی، بی تا، «مروج الذهب»، بی جا، بی نا، بی جا.
۶۶. مشکور، محمد جواد، ۱۳۷۲ ش، «فرهنگ فرق اسلامی»، مشهد، آستان قدس رضوی، دوم.
۶۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸ ش، «مجموعه آثار استاد شهید مطهری»، تهران، صدرا، بی جا.
۶۸. مظفر، محمد حسین، ۱۴۲۲ ق، «دلائل الصدق»، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، اول.
۶۹. مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، «الف»، «أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات»، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، اول.
۷۰. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، «أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات»، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم، اول.

۷۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، «ب»، «الفصول المختارة»، علی میر شریفی، قم، کنگره شیخ مفید، اول.
۷۲. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۸۳ش، «ترجمه الجمل»، ترجمه دکتر دامغانی، تهران، نشر نی، بی جا.
۷۳. مقدسی، مطهر بن طاهر، بی تا، «البدء والتاریخ»، بی جا، ثقافة الدینیة، بی جا.
۷۴. مکدموت، مارتین، ۱۳۷۲ش، «اندیشه‌های کلامی شیخ مفید»، ترجمه احمد آرام، تهران، دانشگاه تهران، بی جا.
۷۵. ملطی، محمد بن احمد، ۱۹۷۷م، «التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع»، محمد زاهد بن الحسن کوثری، قاهره، مکتبه ازهریه، دومز
۷۶. میلانی، سید علی، ۱۴۲۷ق، «تشییید المراجعات و تفنیید المکابرات»، قم، مرکز الحقائق الإسلامیة، چهارم.
۷۷. میر سید شریف، ۱۴۱۲ق، «التعریفات»، تهران، ناصر خسرو، چهارم.
۷۸. ناشی، اکبر، ۱۳۸۶ش، «فرقه‌های اسلامی و مسأله امامت»، ترجمه علیرضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، اول.
۷۹. نباطی بیاضی، علی بن یونس، بی تا، «الصرط المستقیم الی مستحق التقدیم»، محمد باقر بهبودی، بی جا، مرکز الأبحاث العقائدیة، بی جا.
۸۰. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، «رجال النجاشی»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه، ششم.
۸۱. نعمانی، شبلی، ۱۳۸۶ش، «تاریخ علم کلام»، مترجم سید محمد تقی فخرداعی، تهران، اساطیر، اول.
۸۲. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۴۰۴، «فرق الشیعة»، بیروت، دار الأضواء، دوم.
۸۳. نبلی نجفی، علی بن عبد الکریم، ۱۴۲۶ق، «سرور أهل الإیمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عج»، محقق قیس عطار، قم، دلیل ما، اول.
۸۴. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، ۱۳۴۲ش، «الرجال (لابن الغضائری)»، حسینی، محمدرضا، قم، دار الحدیث، اول.